



آیت الله مشکینی



خسار اسلام

اخلاص

آن انسانی خلیفه اله است که
ناپاکیهای جامعه را بشوید و تبدیل به
پاکی و خلوص کند و انسانهای آلوده
را تزکیه نماید.

خلوص در اعتقادات معنایش این است که انسان باورهایی که باید راجع به مکتب و مذهبی پیدا کند، این باورها خالص باشد و مخلوط با باورهای انحرافی و غیر صحیح نباشد. اگر انسان در این مرحله خلوص نداشته باشد ایمانش ناقص و مخلوط است. گاهی تعبیر می شود به اینکه ایمان او التقاطی است. باورهای او التقاطی است.

یکی از آیاتی که هم اخلاص در ایمان و هم اخلاص در عمل را ثابت می کند و اشاره ای به التقاط دارد، این آیه است

یکی از صفات کمالی انسان اخلاص است. اخلاص و خلوص در واژه عربی به معنای پاک بودن از چیزهای مخلوط است. مثلا گندم خالص یعنی چیزی غیر از گندم در آن نیست. طلای خالص طلائی است که غیر از طلا چیز دیگری در آن نباشد. مقصود از اخلاص - در کتب اخلاقی - خالص بودن عقاید و آراء انسان و خالص بودن اعمال انسان است.

بنابراین خلوص دو مرحله دارد

۱- خلوص در اعتقادات ۲- خلوص در اعمال

“الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ”

(سوره انعام - آیه ۸۲)

کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را مخلوط به ظلم نکردند، در امنیت خواهند بود و هدایت نصیبشان خواهد شد. بنابراین ایمان باید مخلوط با ظلم نباشد.

مثلاً درباره یهودیان، اگر بگوئیم به خدا ایمان دارند، ایمانشان مخلوط است زیرا خدا را جسی می دانند که گاهی در بهشت راه می رود و حضرت آدم را صدا می زند و آدم پشت درختها مخفی می گردد و خدا او را نمی بیند!! آیا این اعتقاد به توحید است که در تورات جعلی آمده است؟

این ایمان مخلوط به ظلم است یعنی مخلوط به عقیده انحرافی است. و هر عقیده انحرافی و عمل انحرافی ظلم حساب می شود. و همین ایمان مخلوط را در "نصاری" می بینیم که معتقدند خدا "ثالث ثلاثه" است یعنی خدا را مجموعه سه نفر می دانند پدر و پسر و روح القدس!!

و همچنین اگر کسی معتقد به نبوت باشد و در ضمن معتقد باشد که پیامبر گناه می کند و معصوم نیست و با اینکه معاد را قبول دارد ولی معتقد است مثلاً معاد روحانی است و جسمانی نیست و امثال اینها...

پس اگر کسی می خواهد خلوص در اعتقادات داشته باشد و ایمانش را مخلوط به ظلم نکند باید همه باوره ها و معتقداتش طبق موازین الهی و اسلامی باشد. خلوص در ایمان مخلوط نشدن عقائد انحرافی و غیر اسلامی در آن است. اما اخلاص در عمل مربوط است به انگیزه انجام آن عمل یعنی اگر انگیزه عمل خدا و اطاعت امر خدا باشد. این عمل خالص است. آن انگیزه و علت غائی که انسان را به حرکت وامی دارد بیه کاری مشغول می کند. اگر الهی باشد آن عمل شریف است و هر عملی که انگیزه اش زشت و پلید باشد آن عمل زشت و ناخالص است.

پیغمبر اسلام (ص) فرمود "إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ" یا در روایت است "لِكُلِّ أَمْرٍ نِيَّةٌ" عملها بوسیله نیت است و بر هر انسانی از عملش آن می رسد که انگیزه آن عمل است. یعنی روح عمل و شرافت و فضیلت و ارزش عمل بوسیله انگیزه و علت غائی آن است.

و اخلاص در منطق قرآن و روایات و در بحث علم اخلاق، معنایش این است که انگیزه انسان برای عمل خدائی باشد. و امر خدا او را به سوی هر عملی حرکت دهد. و اسلام برای اخلاص ارزش زیادی قائل شده است.

وقتی که بهشتیان بعد از تمام شدن اعمال به "بهشت" جایگاه ابدیشان وارد می شوند و آن همه نعمتهای ارزنده، جاودانی را از طرف خدا می بینند، آن وقت این جمله را می گویند "إِنَّ رَبَّنَا لَعَفُورٌ شَكُورٌ" پروردگار ما بخشنده و شکرگزار است یعنی برای کارهای نیک ما این همه پاداش خوب عطا فرموده است.

امام صادق (ع) نیز می فرماید. خداوند شکرگزار است. سپس این جمله را می فرماید "إِنَّ الْعَبْدَ كَيْفَ لِي رَكْعَتَيْنِ يُرِيدُ بَيْنَهُمَا وَجْهَ اللَّهِ فَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ وَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ" بنده خدا با دو رکعت نمازی که خالصانه برای خدا انجام داده، خداوند او را مورد مغفرت و آمرزش قرار می دهد و به بهشت می برد.

قرآن درباره حضرت ابراهیم می فرماید

"مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا" یهودیان می گفتند ابراهیم از ما است. و نصرانی ها نیز - در زمان نزول قرآن - می گفتند ابراهیم از ما است ولی قرآن آنها را تکذیب کرده و می گوید حضرت ابراهیم مسلمان حنیف بوده است.

ابراهیم خلص بود. در بعد عقیدتی عقائدی خالصانه داشت و اعمال او نیز خالصانه بود و تنها انگیزه اش الله بود. بنابراین خداوند در قرآن ابراهیم را به عظمت یاد می کند و او را خالص معرفی می کند.

بهر حال یکی از بهترین اوصاف کمالی هر انسانی خلوص است. انسان هر مسلکی داشته باشد باید در آن مسلک صاف و پاک باشد و دور از نقاط و نفاق و دورویی که اینها از زشت ترین صفات انسان است. لازم است انسان قبل از هر چیز تفحص کند و مکتب و مذهب را انتخاب کند و سپس در آن مکتب خالص باشد و نفاق نداشته باشد.

در آیات آخر سوره واللیل می خوانیم "وَسَجَّيْنَهَا الْأَتَقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى" کسی که از جهنم دوری میکند، کسی که با تفاوتی است و تقوی او زیاد است. از اموال خود

زحمت بکشد کم است و هرچه به سختیها و ناهمواریها و گرفتاریها تن در دهد باز کم است که به آن مرحله والا برسد. در روایت است که " هَلَكَةُ النَّاسِ إِلَّا الْعَامِلُونَ وَهَلَكَةُ الْعَامِلُونَ إِلَّا الْعَامِلُونَ وَهَلَكَةُ الْعَامِلُونَ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَالْمُخْلِصُونَ فِي خَطَرٍ عَظِيمٍ "

تمام این چهار میلیارد انسانی که می بینید، به طرف

بدیگران می بخشد و در راه خدا انفاق می کند برای اینکه خود را پاکیزه کند. یعنی مجاهدات مالی و جانی می کند بدین منظور که روحش و افکارش از التقاطها و آشفنگیها و عقاید انحرافی پاک شود و همچنین عملش از نفاق و ریا و امثال اینها پاکیزه گردد. " بیتی ماله پتزیگی " بخشش بمنظور تزکیه و پاک شدن افکار و عقاید و اعمال او است.

اگر انسان در اعتقاداتش خلوص نداشته باشد، ایمانش ناقص و مخلوط است و گاهی تعبیر میشود به اینکه ایمان او التقاطی است.

انحراف می روند مگر کسانی که دانش الهی داشته باشند و تمام این دانشمندان و علماء در هلاکتند مگر کسانی که برطبق دانششان کاملاً پای بند بوده و عمل کنند و عمل کنندگان نیز در هلاکتند مگر آنان که در عمل به درجه اخلاص رسیده باشند. و همان افرادی که به مرحله اخلاص رسیده اند، آنها هم نباید صد درصد خاطر جمع باشند، آنها هم باید پیوسته در فکر خود بوده و خود را از خطرهای بزرگی که در راهشان است نگهدارند.

x x x

هر عملی که انسان برای خدا انجام می دهد، آن عمل پیروز است و خداهم به نیروهای غیبی کمکش می کند. و ما در آیات و روایات می بینیم که مسلمانان صدر اسلام چه نیروی پیدا کردند و چطور با عِدّه کم و عِدّه کم (نیروی کم و وسائل و ابزار جنگی کم) توانستند بر دشمنان پیروز شوند (البته گاهی هم در جنگ شکست می خوردند ولی رو به مرفهت پیروزی با مسلمانان بود) و این پیروزیها هیچ عاملی جز ایمان خالص و قوی ندارد. و ما بحمدالله در این ایام همین خلوص را در رزمندگان خودمان در جبهه های حق علیه باطل می بینیم و آثار معجزه آسای این خلوص را در پیروزیهای بی دربی مشاهده می کنیم. **ادامه دارد**

در ادامه آیه میخوانیم " وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا إِتْقَانًا وَ جَهْدًا وَ رَبِّهِ الْأَعْلَى " هر کاری که این انسان با تقوا انجام می دهد به این منظور نیست که در مقابل نیکی کسی نیکی و احسان کند بلکه او چون ایمان دارد کارهای الهی خود را بدون انتظار نیکی از دیگران انجام می دهد و تنها رضای پروردگار خود را می طلبد. مومن عملش برای این جهت است بنابراین تنها عملی که برای خدا انجام بگیرد خالص است و آن اعمال و اعتقاداتی که مشوب به باورهای انحرافی نباشد خالص است. و انبیا آمده اند که انسان را به این کمال برسانند که هم از نظر افکار و باورها پاک و خالص باشد و هم از نظر اعمال.

آن انسانی غرض از خلقت است که اعمال و افکارش خالص و برای خدا باشد. و آن انسانی خلیفه الله است که ناپاکیهای جامعه را بشوید و تبدیل به پاکی و خلوص کند و انسانهای آلوده را تزکیه نماید.

البته این نکته هم باید گوشزد شود که رسیدن به این مقام بسیار مشکل است. خالص کردن عقاید و اعمال یکی از کارهای سخت انسان است و البته رسیدن به مراحل کمال انسانی باید هم مشکل باشد زیرا این بالاترین ارزشی است که در عالم وجود تصور می شود. انسان کامل و انسان خالص ارزشش فوق اینها است و در تحصیل این مقام هرچه انسان